

تاریخ بانکداری اسلامی در ایران

روایتی از ۲ دهه تلاش
برای اسلامی سازی بانکداری در ایران

میثم مهرپور

عنوان: تاریخ بانکداری اسلامی در ایران
روایتی از ۴ دهه تلاش
برای اسلامی سازی بانکداری در ایران

نویسنده: میثم مهرپور
ویراستار: مریم ترکمیان
نمونه خوان: سید مجتبی جعفری زوج

مدیر هنری: حسین کریم زاده
طراح جلد: حسن کریم زاده

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۵۹-۸۷-۶
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ
و متعلق به نشر یارمند با همکاری نشر صا است

نشانی: تهران - خیابان کریم خان زند
بین خیابان ایرانشهر و ماهشهر - پلاک ۱۳۶ - طبقه دوم
شماره تماس: ۰۲۱-۸۶۰۵۲۹۹۶
شماره پست: ۱۰۰۰۳۰۴۱۳۳

سرشناسه: مهرپور، میثم.
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ بانکداری اسلامی در ایران: روایتی از
چهار دهه تلاش برای اسلامی سازی بانکداری در ایران
نویسنده: میثم مهرپور؛ ویراستار: مریم ترکمیان.
مشخصات نشر: تهران: یارمند، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۵۹-۸۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: تاریخ بانکداری اسلامی در ایران
عنوان دیگر: روایتی از چهار دهه تلاش برای اسلامی سازی
بانکداری در ایران.

موضوع: بانک و بانکداری -- ایران -- تاریخ
موضوع: Banks and banking -- Iran -- History
موضوع: بانک و بانکداری -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع: Banks and banking -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره: HG۲۲۷۰/۲
رده بندی دیویی: ۱۰۹۵۵/۳۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۸۴۴۶۰

فهرست

۷		مقدمه
۱۳		پیشگفتار
۱۳		تاریخچه بانکداری در جهان
۱۷		بانکداری قبل از پیروزی انقلاب اسلامی
۲۳		تاریخچه بانکداری بدون ربا
۲۷		وضعیت نظام بانکی در ماه‌های منتهی به انقلاب
۳۱		فصل اول: پیروزی انقلاب؛ تحولات بانکی طی سال‌های ۵۸ تا ۶۲
۳۲		گام اول
۴۰		گام دوم
۴۱		گام سوم
۴۵		گام چهارم
۴۸		گام پنجم
۴۹		گام ششم
۵۷		فصل دوم: بررسی قانون بانکداری بدون ربا
۵۹		۱. عملیات بانکی بدون ربا (موقتی‌بودن)
۶۰		۲. فلسفه استقراض بین بانکی
۶۴		۳. فروش اقساطی در اسلام
۶۷		۴. انحراف عقد سرمایه‌گذاری مستقیم؛ عقدی که فهمیده نشد
۷۰		۵. جایگاه قرض الحسنه در اقتصاد اسلامی؛ آنچه شد و آنچه باید می‌بود
۷۵		۶. آیین نامه‌ها در تضاد با روح قانون

مقدمه

همه ما بارها این جمله را که ایران کشور ثروتمندی است، شنیده ایم. احتمالاً این تناقض در ذهن برخی از ما وجود داشته که اگر ایران کشور ثروتمندی است، پس چرا میزان درآمد سرانه شهروندان ایرانی با میزان توسعه یافتگی اقتصادمان هیچ سنخیت و همخوانی با این گزاره ندارد؟ پاسخ این سؤال بسیار ساده است. ثروتمند بودن یک کشور به معنای داشتن منابع ثروت است، حال این منابع می تواند منابع انسانی، منابع انرژی یا منابع طبیعی و ظرفیت های اقتصادی و... در آن کشور باشد. اگر از من پرسند بزرگ ترین مشکل اقتصاد ایران چیست، در یک عبارت کلی خواهم گفت: «تخصیص غیر بهینه منابع». اتفاقاً این عبارت برای کشورهایی که اصطلاحاً ثروتمند بوده اما وضعیت زندگی شهروندان و میزان توسعه یافتگی آن ها با ثروت هایشان تناسب ندارد، بسیار صادق است؛ چرا که در این کشورهای به اصطلاح ثروتمند، منابع و ثروت کافی وجود دارد، اما عدم تخصیص بهینه این منابع با اسراف یا سوء مدیریت یا حتی تبعیض و... به مانعی برای ثروتمند شدن یا تحقق رفاه شهروندان آن جامعه تبدیل شده است. احتمالاً همه ما بارها عباراتی چون تخصیص میلیاردها دلار ارز

ترجیحی به واردات کالاها، یارانه بیست هزار میلیارد تومانی دولت به نان، یارانه چندده هزار میلیارد تومانی به حامل‌های انرژی، پرداخت تسهیلات چندده هزار میلیارد تومانی نظام بانکی به تولید و... را در اخبار و آمارهای سالانه منتشر شده خوانده و شنیده‌ایم. این آمار و ارقام یعنی منابع ارزی برای واردات کالا وجود دارد، منابع ریالی برای رونق تولید وجود دارد، ثروتی تحت عنوان منابع انرژی در کشور به وفور وجود دارد و... اما نحوه تخصیص این منابع به گونه‌ای است که شهروندان ایرانی به رغم وجود این ثروت‌ها، احساس ثروتمند بودن ندارند و احتمالاً کمترین منفعت این ثروت‌ها متعلق به شهروندان این جامعه است؛ برای همین عدم تخصیص بهینه منابع بزرگ‌ترین و کلی‌ترین ایراد در اقتصاد پرچالش ایران است.

یکی از ملموس‌ترین تخصیص‌های غیر بهینه در اقتصاد ایران را می‌توان نحوه توزیع منابع ریالی در نظام بانکی کشور دانست؛ منابع ریالی‌ای که طبیعتاً آغاز هر فعالیت اقتصادی در داخل کشور بدون وجود آن امکان ندارد. اگر بدون دانش و اطلاع قبلی لیست آمارهای منتشر شده از میزان تسهیلات پرداختی نظام بانکی به فعالیت‌های اقتصادی تا سودهای پرداختی بانک به سپرده‌گذاران ایرانی را به ما نشان دهند، بی‌شک فرض ما این خواهد بود که با این حجم از تسهیلات پرداختی تحت عنوان عقود مشارکت یا فروش اقساطی و... در کنار این حجم از سود پرداختی بانک‌ها به سپرده‌گذاران، احتمالاً با اقتصادی تولیدمحور آن‌هم با رشد‌های اقتصادی بالا مواجه هستیم.

در یکی از سال‌های دهه ۸۰ میزان تسهیلاتی که تحت عنوان تسهیلات خرید خودرو از سوی نظام بانکی ایران به شهروندان ایرانی پرداخت شده بود، از مجموع تعداد خودروی تولید شده یا فروخته شده در آن سال بیشتر بود!

از دهه ۵۰ شمسی و با افزایش شدید قیمت جهانی نفت، درآمدهای ارزی ایران به شدت افزایش یافت. اقتصاد ایران در آن ایام به واسطه اجرای طرح اصلاحات ارضی، نه از وضعیت مناسبی در اقتصاد کشاورزی برخوردار بود و نه تبدیل به اقتصادی صنعتی شده بود. افزایش شدید درآمدهای ارزی عملاً

به دروازه‌ای بزرگ برای واردات و هجوم کالاهای خارجی به کشور تبدیل شده بود؛ هجومی که حتی بنادر و ناوگان حمل و نقل ایران در آن مقطع نیز ظرفیت پذیرش آن را نداشت؛ اتفاقاتی که در نهایت منجر به ایجاد مشکلاتی در اقتصاد کشور شد. افزایش درآمدهای ارزی و به تبع آن بزرگ‌تر شدن بخش تجاری و بازرگانی در اقتصاد ایران، منجر به رشد قابل توجه در تأسیس بانک‌های جدید شد؛ به نحوی که فقط طی سال‌های ۵۱ تا ۵۷، ده عنوان بانک جدید پای به عرصه فعالیت‌های بانکداری گذاشتند. کشور در سال ۵۷ و با جمعیتی حدود ۳۰ میلیون نفر، از سی و شش عنوان بانک تجاری و توسعه‌ای برخوردار بود؛ بانک‌هایی که هیچ تناسبی با حجم و ظرفیت اقتصاد ایران نداشته و به محلی برای خلق پول و اعتبار تبدیل شده بودند؛ بانک‌های مختلط و خصوصی که سهام‌داران و مالکان آن‌ها یا شرکت‌ها و کشورهای خارجی و یا برخی از ایرانیان وابسته به سرویس‌های جاسوسی غرب بدون هیچ تخصصی در حوزه بانکداری (مانند هزبر یزدانی و هوشنگ رام) بودند.

در ایام منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، مردم و انقلابیون هم‌ردیف با شراب‌خانه‌ها و مراکز فساد، به بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز به عنوان یکی از نمادهای حکومت طاغوت حمله می‌کردند؛ موضوعی که باعث شد وضعیت نظام بانکی ایران در ماه‌های منتهی به انقلاب رو به وخامت گذاشته و بسیاری از سپرده‌گذاران منابع خودشان را از بانک‌ها خارج کنند. در این میان، برخی از وابستگان حکومت پهلوی با خروج منابع ریالی عظیم از سیستم بانکی و تبدیل آن به ارز و خروج از کشور عملاً منابع کشور را خارج و بحران پولی-بانکی برای کشور ایجاد کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی، از همان ابتدا کاملاً مشخص بود که تغییر در ساختارهای بانکی موجود یکی از موضوعات اساسی خواهد بود که مورد توجه حاکمان و مسئولین جمهوری اسلامی قرار دارد؛ اتفاقاتی چون ملی کردن و سپس ادغام بانک‌ها در یک سال اول پیروزی انقلاب و تدوین و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در اوایل دهه ۶۰ را می‌توان در این راستا دانست. بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، حساسیت‌ها به این قانون

کاهش یافته و با تفاسیر و تبصره‌های مختلفی که طی سال‌های ۶۳ تا امروز نسبت به این قانون صورت گرفته، بانکداری ما نه تنها در راستای حرکت به سمت بانکداری اسلامی گام برنداشته، بلکه در حال دورتر و دورتر شدن از این موضوع است؛ به نحوی که تمام تلاش‌های صورت گرفته برای بازنگری و اصلاح قوانین موجود با عنوان بانکداری اسلامی - و البته با نام‌های متفاوت - طی نزدیک به چهار دهه اخیر ناکام بوده است.

در کتاب پیش رو سعی شده تا نظام بانکداری ایران از ابتدای انقلاب تا امروز با روایتی تاریخی مورد بررسی قرار گیرد. برای آشنایی مخاطبان با شرایط نظام بانکی در سال‌های قبل از انقلاب در پیشگفتار این کتاب علاوه بر بیان تاریخچه‌ای مختصر از بانکداری در سطح جهان، به بررسی پیدایش و گسترش بانک‌ها در ایران قبل از انقلاب پرداخته شده است. در فصل اول با عنوان تحولات بانکی در سال‌های ۵۸ تا ۶۲، به بررسی اتفاقات رخ داده در راستای اسلامی کردن نظام بانکداری در ایران از سال ۵۸ تا سال تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخته است؛ اتفاقاتی چون ملی شدن بانک‌ها، ادغام بانک‌ها، تعیین سود تضمین شده و... که از جمله اتفاقات رخ داده مابین سال‌های ۵۸ تا ۶۲ است. در فصل دوم، کمی از بررسی تاریخی اتفاقات رخ داده در نظام بانکداری ایران فاصله گرفته و به دنبال دلایل عدم توفیق قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران بوده‌ایم. در فصل سوم به بررسی تحولات رخ داده مابین سال‌های ۶۳ تا ۸۵ پرداخته‌ایم. در این سال‌ها عملاً شاهد تصمیم یا اقدام خاصی در راستای اسلامی کردن قوانین بانکی یا بازنگری قوانین موجود نیستیم، بلکه اتفاقاً در دهه ۷۰ و حتی اوایل دهه ۸۰، برخی از تصمیمات اخذ شده مانند تعیین نرخ سود علی الحساب برای سپرده‌ها و بعدها اجازه تأسیس مؤسسات اعتباری و بانک‌های غیردولتی را می‌توان به عنوان آغاز یک انحراف اساسی از بانکداری بدون ربا دانست. در فصل چهارم به تدوین پیش نویس قانون بانکداری در دولت نهم و با حمایت و مدیریت بانک مرکزی پرداخته شده است. در فصل پنجم به فعالیت‌های شورای هماهنگی بانک‌ها در تدوین قانون بانکداری طی سال‌های

۸۷ تا ۹۴ پرداخته شده است. در فصل ششم و انتهای این کتاب، موضوع طرح بانکداری در مجالس نهم تا یازدهم مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجاکه قصد نگارنده این بوده تا کتاب پیش رو علاوه بر جنبه های علمی، دارای مستندات باشد که برای اولین بار منتشر می شود. (بسیاری از خاطرات و ناگفته های موجود در این حوزه تاکنون منتشر نشده است.) در تمام فصول این کتاب سعی شده با انجام گفت و گوهایی با افراد شاخص و تأثیرگذار در هر مقطع زمانی در تدوین بیش نویس های مربوط به قوانین بانکی، ناگفته های این افراد بیان شود. در خاتمه وظیفه خود می دانم از آقایان ایرج توتونچیان، حسین میرجلیلی، حسین عیوضلو، حیدر مستخدمین حسینی و... که با در اختیار گذاشتن اطلاعات و خاطرات و ناگفته های خود، من را در انتشار این اثر یاری کردند، تشکر کنم. و من الله توفیق.

میثم مهرپور